

ایران توشه

- رانلور نمونه سوالات امتحانی
- رانلور گام به گام
- رانلور آزمون گاج و قلم چی و سنجش
- رانلور فیلم و مقاله انگلیزی
- رانلور و مشاوره

 IranTooshe.ir

 [@irantooshe](https://t.me/irantooshe)

 [IranTooshe](https://www.instagram.com/IranTooshe)



ساختار کتاب

کتاب شب امتحان فارسی ۱ (دهم) از ۴ قسمت اصلی تشکیل شده است که به صورت زیر است:

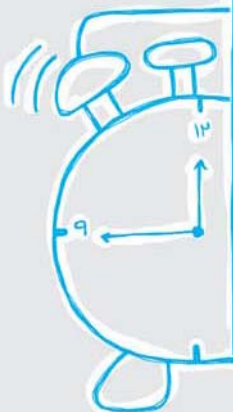
- ۱- **آزمون‌های نوبت اول:** آزمون‌های شماره ۱ تا ۳ این کتاب مربوط به مباحث نوبت اول است که خودش به دو قسمت تقسیم می‌شود:
 - الف) **آزمون‌های طبقه‌بندی شده:** آزمون‌های شماره ۱ و ۲ را درس به درس طبقه‌بندی کرده‌ایم. بنابراین شما به راحتی می‌توانید پس از خواندن هر درس از درس‌نامه تعدادی سؤال را بررسی کنید. حواستان باشد این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره‌ای و مثل یک آزمون کامل هستند.
 - ب) **آزمون طبقه‌بندی نشده:** آزمون شماره ۳ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم تا یک آزمون نوبت اول مشابه آزمونی را که معلمتان از شما خواهد گرفت، ببینید.
- ۲- **آزمون‌های نوبت دوم:** آزمون‌های شماره ۴ تا ۱۲ از کل کتاب و مطابق امتحان پایان سال طرح شده‌اند. این قسمت هم، خودش به ۲ بخش تقسیم می‌شود:
 - الف) **آزمون‌های طبقه‌بندی شده:** آزمون‌های شماره ۴ تا ۷ را که برای نوبت دوم طرح شده‌اند هم طبقه‌بندی کرده‌ایم. با این کار باز هم می‌توانید پس از خواندن هر درس تعدادی سؤال مرتبط را پاسخ دهید. هر کدام از این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره دارند در واقع در این بخش، شما ۴ آزمون کامل را می‌بینید.
 - ب) **آزمون‌های طبقه‌بندی نشده:** آزمون‌های شماره ۸ تا ۱۲ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم؛ پس، در این بخش با ۵ آزمون نوبت دوم، مشابه آزمون پایان سال معلمتان مواجه خواهید شد.
- ۳- **پاسخ‌نامه تشریحی آزمون‌ها:** در پاسخ تشریحی آزمون‌ها تمام آن چه را که شما باید در امتحان بنویسید تا نمره کامل کسب کنید، برایتان نوشته‌ایم.
- ۴- **درس‌نامه کامل شب امتحانی:** این قسمت برگ برنده شما نسبت به کسانی است که این کتاب را نمی‌خوانند! در این قسمت تمام آن چه را که شما برای گرفتن نمره عالی در امتحان فارسی (۱) نیاز دارید، تنها در ۸ صفحه آورده‌ایم، بخوانید و لذتش را ببرید!

فهرست

پاسخ‌نامه	آزمون	نوبت	
۲۹	۳	اول	آزمون شماره ۱ (طبقه‌بندی شده)
۲۹	۵	اول	آزمون شماره ۲ (طبقه‌بندی شده)
۲۹	۷	اول	آزمون شماره ۳ (طبقه‌بندی نشده)
۳۰	۹	دوم	آزمون شماره ۴ (طبقه‌بندی شده)
۳۰	۱۱	دوم	آزمون شماره ۵ (طبقه‌بندی شده)
۳۱	۱۴	دوم	آزمون شماره ۶ (طبقه‌بندی شده)
۳۱	۱۶	دوم	آزمون شماره ۷ (طبقه‌بندی شده)
۳۲	۱۹	دوم	آزمون شماره ۸ (طبقه‌بندی نشده)
۳۲	۲۱	دوم	آزمون شماره ۹ (طبقه‌بندی نشده)
۳۳	۲۳	دوم	آزمون شماره ۱۰ (طبقه‌بندی نشده)
۳۳	۲۵	دوم	آزمون شماره ۱۱ (طبقه‌بندی نشده)
۳۳	۲۷	دوم	آزمون شماره ۱۲ (طبقه‌بندی نشده)

۳۵

درس‌نامه توپ برای شب امتحان



ردیف	فارسی (۱)	رشته: کلیه رشته‌ها	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com	نمره
	آزمون شماره ۳		نوبت اول پایه دهم دوره متوسطه دوم		
	بخش اول: معنی و مفهوم شعر و نثر				
	عبارات و اشعار زیر را به نثر روان بازگردانی کنید.				
۱	به نام کردگار هفت افلاک				۰/۲۵
۲	بزرگان به هر حق و باطلی از جای نشوند.				۰/۲۵
۳	چشمه‌ای از خوشمزگی‌های رنگارنگ او بود.				۰/۵
۴	مکاری از ما سی دینار مغربی می‌خواست.				۰/۵
۵	معلم مرغان را گویا می‌کشید، گوزن را رعنا رقم می‌زد، خرگوش را چابک می‌یست.				۰/۷۵
۶	زهی گویا ز تو کام و زبانم	تویی هم آشکارا هم نهانم			۰/۷۵
۷	وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب	بر دولت آشیان شما نیز بگذرد			۱
۸	ابر ز من حامل سرمایه شد	باغ ز من صاحب پیرایه شد			۱
	بخش دوم: قلمرو زبانی				
	الف) واژگان				
	با توجه به اشعار و عبارات، معنای واژگان مشخص شده را بنویسید.				
۹	فروغ رویت اندازی سوی خاک				۰/۲۵
۱۰	تاج سر گلبن و صحرا منم				۰/۲۵
۱۱	هر که در مسلخ گرمابه بود همه بر پای خاستند.				۰/۲۵
۱۲	دست معلم از <u>وَقَب</u> حیوان روان شد.				۰/۲۵
۱۳	گفتم که <u>نوش لعلت</u> ما را به آرزو کشت				۰/۲۵
۱۴	چگونه این چنین که بلند / بر زَبَرِ ماسوا ایستاده‌ای.				۰/۲۵
	ب) املا				
۱۵	در میان واژگان زیر نادرستی‌های املائی را بیابید و اصلاح کنید. طمأنینه - قربان و صدقه - ضمایم و تعلیقات - لحو و لعب - مسکر - قَرَض و خواسته - رَقعه - مسلخ - دَلاک و قَیم - یال و غارب - فراغ و آسایش				
۱۶	در کدام گزینه نادرستی املائی وجود دارد؟ اصلاح کنید. الف) مردی اهل و ادیب و فاضل و نیکومنظر و متواضع دیدم و متدین و خوش سخن. ب) گفتم زمان عشرت دیدی که چون سر آمد ب) گفتار خموش حافظ کاین قصه هم سر آید				
	پ) دستور زبان				
۱۷	در عبارت زیر «نهاد و مفعول» را بیابید. «هر کس که روی از معامله با خلق بنافت، دنیا و آخرت را در راه معامله با حق بیافت.»				
۱۸	ساختمان واژگان زیر را مشخص کنید. (ساده، مشتق، مرکب یا مشتق - مرکب)				۱
	الف) گمراه	ب) بندگی	پ) رهبر	ت) دل	
	بخش سوم: قلمرو ادبی				
۱۹	در بیت «گشت یکی چشمه ز سنگی جدا / غلغله‌زن، چهره‌نما، تیزیاء چشمه نماد چیست؟				
۲۰	در بیت «بر تیر جور تان ز تحمل سپر کنیم / تا سختی کمان شما نیز بگذرد» قسمت مشخص شده چه آرایه‌ای دارد؟				
۲۱	استعاره را در ابیات زیر مشخص کرده و مفهوم هر کدام را بنویسید.				
۰/۵	الف) چون بگشایم ز سر مو شکن	ماه ببیند رخ خود را به من			۰/۵
۰/۵	ب) قطره باران که در افتد به خاک	زو بدمد بس گهر تابناک			۰/۵
۰/۵	پ) در بَن این پرده نیلوفری	کیست کند با چو منی همسری			۰/۵
۲۲	آرایه بارز به کار رفته در سروده زیر چیست؟ «ای روشنی خدا / در شب‌های پیوسته تاریخ / ای روح لیلۃ القدر / حتی مطلع الفجر»				

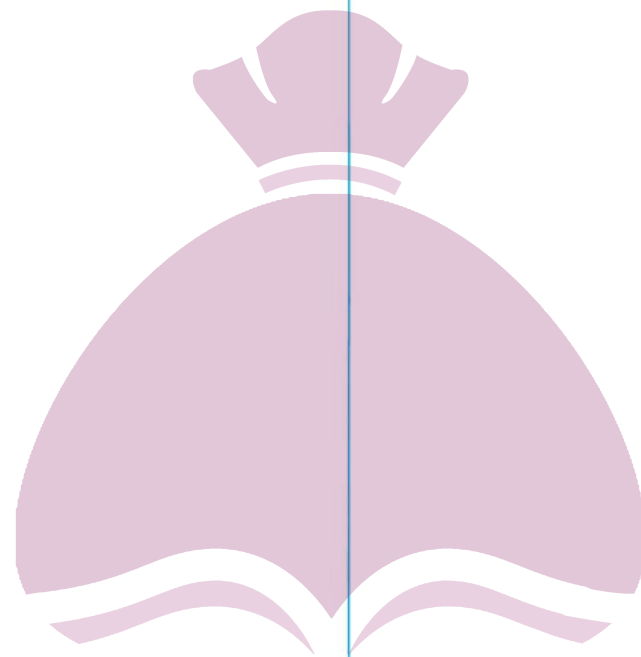
شماره	kheilisabz.com	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	رشته: کلیه رشته‌ها	فارسی (۱)
نمره	نوبت اول پایه دهم دوره متوسطه دوم		آزمون شماره ۳	ردیف
	بخش چهارم: قلمرو فکری			
۰/۵			مثّل زیر آدمی را از چه کاری برحذر می‌دارد؟ «گندم‌نمای جوفروش مباش»	۲۳
۱			در عبارت زیر، نویسنده به چه علت نامه‌ای را نوشته است؟ «چون بر رقعۀ من اطلاع باید قیاس کند که مرا اهلیت چیست.»	۲۴
۰/۵	بیت «غم و شادی جهان را نبود هیچ ثبات / هر زمان حال وی از شکل دگر خواهد شد، با کدام بیت زیر ارتباط مفهومی دارد؟			۲۵
	الف) به داد و دهش گیتی آباد دار	دل زبردستان خود شاد دار		
	ب) گر در طلبت رنجی، ما را برسد شاید	چون عشق حرم باشد، سهل است بیابان‌ها		
	پ) گفتم زمان عشرت دیدی که چون سر آمد	گفتا خموش حافظ کاین غصه هم سر آید		
	ت) زین کاروان‌سرای بسی کاروان گذشت	ناچار کاروان شما نیز بگذرد		
۰/۵	در بیت زیر منظور از «فلک کرده کر» چیست؟			۲۶
	نعره برآورده، فلک کرده کر	دیده سیه کرده، شده زهره در		
۰/۵	در بیت «دمی آب خوردن پس از بدسگال / به از عمر هفتاد و هشتاد سال» منظور از «بدسگال» چیست؟			۲۷
	با توجه به عبارت زیر به سوالات پاسخ دهید. «ما به گوشه‌ای باز شدیم و به تعجب در کار دنیا می‌نگریستیم و هیچ چاره ندانستیم. مرا در آن حال با مردی پارسی که هم از اهل فضل بود آشنایی افتاده بود و این [مرد] پارسی هم دست‌تنگ بود و وسعتی نداشت که حال مرا مرقتی کند.»			۲۸
۰/۵	الف) منظور از «به گوشه‌ای باز شدیم» چیست؟			
۰/۵	ب) «فضل» در این عبارت به چه معناست؟			
۰/۵	پ) «حال مرا مرقتی کند» یعنی چه؟			
۰/۵	مفهوم عبارت «اسب از پهلوی اسبی خود را به کمال نشان می‌داد، چیست؟			۲۹
	بخش پنجم: حفظ شعر			
	ابیات زیر را کامل کنید.			
۰/۵	گویند مگو سعدی چندان سخن از عشقش		۳۰
۰/۵	تا عهد تو در بستم		۳۱
۰/۵	گویا از مغرب، آفتاب		کاشوب در عالم است	۳۲
۰/۵ بر آدمیان نوحه می‌کنند		گویا عزای اشرف	۳۳
۲۰	جمع نمره		موفق باشید	

شماره	کheilisabz.com	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	رشته: کلیه رشته‌ها	فارسی (۱)	ردیف									
نمره	نوبت دوم پایه دهم دوره متوسطه دوم		آزمون شماره ۵											
	درس اول و ستایش													
۰/۱۵	درستی یا نادرستی مفهوم ارائه شده برای بیت زیر را بررسی کنید. گل به همه رنگ و برازندگی می‌کند از پرتو من زندگی: (من از گل زیباتر هستم).				۱									
	درس دوم													
۰/۲۵	عبارت زیر را معنی کنید. در ریاضی کمیتش لنگ بود.				۲									
۰/۲۵	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. استعدادی فیاض در فراگرفتن موسیقی داشت.				۳									
۰/۱۵	در کدام گزینه نادرستی املائی دیده می‌شود؟ تصحیح کنید. الف) بدان کوش که به هر محالی از حال و نهاد خویش بنگردی. ب) فی الجمله نماند از معاسی منکری که نکرد و مسکری که نخورد.				۴									
۰/۱۵	درستی یا نادرستی مفهوم ارائه شده برای عبارت زیر را بررسی کنید. «به زبان دیگر مگو و به دل دیگر مدار، تا گندم‌نمای جوفروش نباشی»: (ریاکار نباش و در گفتار صداقت داشته باش).				۵									
	درس سوم													
۰/۲۵	عبارت زیر را معنی کنید. اکنون ما را که در حقام گذارد؟				۶									
۰/۱۵	در عبارت زیر نادرستی املائی را بیابید و اصلاح کنید. «قرض من دو چیز بود: یکی بی‌نوایی، دویم گفتم همانا او را تصوّر شود که مرا در فضل مرتبه‌ای است.»				۷									
۱	جدول زیر را کامل کنید.				۸									
	<table border="1" style="width: 100%; text-align: center;"> <thead> <tr> <th>واژه</th> <th>مترادف</th> <th>هم‌خانواده</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>إنعام</td> <td></td> <td></td> </tr> <tr> <td>فراغ</td> <td></td> <td></td> </tr> </tbody> </table>		واژه	مترادف	هم‌خانواده	إنعام			فراغ					
واژه	مترادف	هم‌خانواده												
إنعام														
فراغ														
۰/۱۵	درستی یا نادرستی مفهوم ارائه شده برای بیت زیر را بررسی کنید. چنین است رسم سرای درشت گهی پشت به زین و گهی زین به پشت: (مهارت‌نداشتن در سوارکاری)				۹									
	درس پنجم													
۰/۱۵	عبارت زیر را معنی کنید. جوانکی بودم و توی جماعت بُر خورده بودم.				۱۰									
	درس ششم													
۰/۱۵	در بیت «گفتم که بوی زلفت گمراه عالم کرد / گشتا اگر بدانی هم اوت رهبر آید»، چه چیزی به عنوان «راهنما و رهبر عاشق» معرفی شده است؟				۱۱									
	درس هفتم													
۰/۱۵	عبارت زیر را معنی کنید. در بهشت آنها را و اشجار است.				۱۲									
۰/۱۵	سجع را در عبارت زیر مشخص کنید. «در بدایت، بند و چاه بُود، در نهایت، تخت و گاه بُود»				۱۳									
۰/۲۵	ایبات زیر را کامل کنید. الف) تا خار غم عشقت در دامن ب) هر تیر که در کیش است، گربردل ریش آید				۱۴									
۰/۲۵	ما نیز یکی باشیم از جمله کوتاه‌نظری باشد رفتن به گلستان‌ها													
	درس هشتم													
۰/۲۵	معنای واژه مشخص شده را بنویسید. هیچ شکوفه نیست کز تبار گلخند تو نیست				۱۵									
۰/۲۵	در میان واژگان زیر، کدام واژه نادرستی املائی دارد؟ «مهیّب - سولت - طرفه - مفلس - طاس - موضع - خبث طینت»				۱۶									
۰/۱۵	در شعر «پیش از تو / هیچ اقیانوس را نمی‌شناختم / که عمود بر زمین بایستند»، منظور از «اقیانوس» چه کسی است؟				۱۷									

شماره	kheilisabz.com	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	رشته: کلیه رشته‌ها	فارسی (۱)
ردیف	نوبت دوم پایه دهم دوره متوسطه دوم		آزمون شماره ۵	
	درس نهم			
۱۸	۰/۲۵	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن		
۱۹	۰/۵	در بیت زیر استعاره را بیابید و معنای آن را مشخص کنید. زین کاروان‌سرای بسی کاروان گذشت ناچار کاروان شما نیز بگذرد		
۲۰	۰/۵	بیت زیر را کامل کنید. باز این چه رستخیز است کز زمین بی نفع صور خاسته تا اعظم است		
	درس دهم			
۲۱	۰/۲۵	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. انسان از نسیان و غفلت هرگز درنیابد که در چه زمانی زیست می‌کند.		
	درس یازدهم			
۲۲	۰/۷۵	معنی بیت زیر را بنویسید. من ایرانی‌ام آرمانم شهادت تجلی هستی است جان‌گندن من		
۲۳	۰/۵	در کدام گزینه «واو عطف» به کار رفته است؟ الف) کجا می‌توانی ز قلبم ربایی تو عشق میان من و میهن من؟ ب) من با کنجکاوای حرف‌های آن‌ها را گوش می‌دادم و اطراف را می‌پاییدم.		
	درس دوازدهم			
۲۴	۱	معنی بیت زیر را بنویسید. مرا مادرم نام مرگ تو کرد زمانه مرا پتک ترگ تو کرد		
۲۵	۰/۲۵	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. گفت از جاهت اندیشه همی کردم		
۲۶	۰/۵	در بیت زیر اغراق را توضیح دهید. نماند ایچ با روی خورشید رنگ به جوش آمده خاک بر کوه و سنگ		
	درس سیزدهم			
۲۷	۰/۲۵	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. به آورد با او بسنده نبود		
۲۸	۰/۵	نقش دستوری واژه مشخص شده در کدام گزینه صحیح نیست؟ الف) سپهد عنان ازدها را سپرد به خشم از جهان روشنایی ببرد (مفعول) ب) کنون من گشایم چنین روی و موی سپاه تو گردد پر از گفت‌وگوی (نهاد)		
۲۹	۰/۵	ابیات زیر را کامل کنید. الف) خروشان و جوشان ب) شما را چو باور به یزدان بود		
	درس چهاردهم			
۳۰	۰/۵	در ابیات زیر جناس را بیابید و نوع آن را بنویسید. الف) گلاب است گویی به جویش روان همی شاد گردد به بویش روان ب) هر دو گون آهو گیا خوردند و آب		
۳۱	۰/۵	مفهوم کنایی جمله اول بیت زیر چیست؟ ریش برمی‌کند و می‌گفت ای دریغ کآفتاب نعمتم شد زیر میغ		
۳۲	۰/۵	در بیت زیر نادرستی املائی را بیابید. جست از سدر دکان سویی گریخت شیشه‌های روغن گل را بریخت		

شماره	kheilisabz.com	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	رشته: کلیه رشته‌ها	فارسی (۱)
نمره	نوبت دوم پایه دهم دوره متوسطه دوم		آزمون شماره ۵	ردیف
۰/۵	<p>درس شانزدهم</p> <p>در بیت زیر استعاره را بیابید و معنای آن را بنویسید.</p> <p>دیدۀ آتشین من برکش و آتشم را بکش به آبی خوش</p>			۳۳
۰/۵	<p>در بیت زیر «اختیارکردن» به چه معناست؟</p> <p>بر چنین دختری به آزادی اختیار کنم به دامادی</p>			۳۴
۰/۵	<p>درس هفدهم</p> <p>منظور شاعر از عبارت مشخص شده چیست؟</p> <p>«تو را جنوب نامیدم / ای چون سیزه برآمده از دفتر روزگاران / ای مسافر دیرین بر روی خار و درد»</p>			۳۵
۰/۷۵	<p>درس هجدهم و نیاپیش</p> <p>عبارات زیر را معنی کنید.</p> <p>الف) تو خدا را در تملک داری. در انتظار خدا بودن، یعنی درنیافتن این که او را هم اکنون در وجود خود داری.</p> <p>ب) لذت هستی نمودی نیست را عاشق خود کرده بودی نیست را</p>			۳۶
۰/۲۵	<p>معنی واژه مشخص شده را بنویسید.</p> <p>بالای سرش آسمان از ابرهای سیاهی شبیه به دودهای متراکم پوشیده بود.</p>			۳۷
۰/۵	<p>بیت «غیبت نکرده‌ای که شوم طالب حضور / پنهان نگشته‌ای که هویدا کنم تو را، با کدام عبارت ارتباط مفهومی دارد؟</p> <p>الف) تنها خداست که نمی‌توان در انتظارش بود. در انتظار خدا بودن، یعنی درنیافتن این که او را هم اکنون در وجود خود داری.</p> <p>ب) لحظه لحظه روز می‌توانی خدا را به تمامی در تملک داشته باشی.</p>			۳۸
۲۰	جمع نمره	موفق باشید		

ایران توننه
توشه ای برای موفقیت



ایران نوننه

توشه ای برای موفقیت

◀ آزمون شماره ۳ (نوبت اول) ▶

- ۱- به نام آفریننده هفت آسمان (صفحه ۱۵)
- ۲- بزرگان با هر حق و باطلی برآشفته نمی‌شوند. (صفحه ۱۷)
- ۳- مقدار کمی از استعدادهای گوناگون او بود. (صفحه ۲۱)
- ۴- کرایه‌دهنده چهارپا از ما سی سکه طلای مراکشی [به عنوان کرایه] می‌خواست. (صفحه ۳۱)
- ۵- معلم پرندگان را واضح، گوزن را خوش قامت و خرگوش را چالاک می‌کشید. (صفحه ۳۹)
- ۶- چه خوش است که آرزوی قلبی و آن چه بر زبان می‌رانم، درباره تو باشد، زیرا تو تمام وجودم هستی. (صفحه ۱۵)
- ۷- سختی و بلا جغد ویرانگری است که به ما بسنده نمی‌کند؛ شما را نیز خانه‌خراب خواهد کرد. (صفحه ۶۹)
- ۸- ابر سرمایه خود را از من می‌گیرد و باغ از من صاحب زیبایی می‌شود. (صفحه ۱۲)



- ۹- روشنی، پرتو
- ۱۰- بوته گل، گل سرخ، بیخ بوته گل
- ۱۱- رختکن حمام
- ۱۲- هر فرورفتگی اندام چون گودی چشم
- ۱۳- جواهری سرخ‌رنگ، (این‌جا استعاره از لب معشوق)
- ۱۴- بالا، فوق
- ۱۵- دو واژه «لحو» و «قَرَض» نادرست است و شکل صحیح آن‌ها «لهو» و «قَرَض» است.
- ۱۶- گزینه «ب»، «عَصَه» صحیح است.
- ۱۷- «هر کسی»: نهاد؛ «دنیا و آخرت»: مفعول
- ۱۸- الف) «گمراه»: مرکب
- ب) «بندگی»: مشتق
- پ) «رهبر»: مرکب
- ت) «دل»: ساده
- ۱۹- انسان مغرور و متکبر
- ۲۰- تشبیه (جور: مشبه؛ تیر: مشبه‌به)
- ۲۱- الف) «مو» استعاره از سبزه‌ها
- ب) «گهر» استعاره از گیاهان
- پ) «پرده نیلوفری» استعاره از آسمان
- ۲۲- آرایه تضمین، شاعر قسمتی از سوره قدر را در سروده خود آورده است.
- ۲۳- دورویی
- ۲۴- برای آن‌که مخاطب نامه به میزان علم و شایستگی او پی ببرد.
- ۲۵- گزینه «پ»
- ۲۶- منظور صدای بسیار بلند و مهیب آب است.
- ۲۷- دشمن
- ۲۸- الف) به گوشه‌های رفتیم
- ب) معرفت، دانش
- پ) به من کمکی کند.
- ۲۹- اسب از پهلو زیبایی و تناسب خود را کاملاً نشان می‌داد.
- ۳۰- می‌گویم و بعد از من، گویند به دوران‌ها
- ۳۱- عهد همه بشکستم؛ نقض همه پیمان‌ها
- ۳۲- طلوع می‌کند؛ تمامی ذرات
- ۳۳- جنّ و ملک؛ اولاد آدم است

- (صفحه ۱۰)
- (صفحه ۱۲)
- (صفحه ۳۲)
- (صفحه ۳۹)
- (صفحه ۵۰)
- (صفحه ۶۲)
- (صفحه‌های ۲۵ و ۳۱)
- (صفحه ۵۰)
- (صفحه ۵۴)
- (صفحه ۵۰)
- (صفحه ۵۰)
- (صفحه ۵۰)
- (صفحه ۵۰)
- (صفحه ۱۲)
- (صفحه ۶۹)
- (صفحه ۱۲)
- (صفحه ۱۲)
- (صفحه ۶۳)
- (صفحه ۱۷)
- (صفحه ۳۱)
- (صفحه ۵۲)
- (صفحه ۱۳)
- (صفحه ۲۲)
- (صفحه ۳۱)
- (صفحه ۳۱)
- (صفحه ۳۱)
- (صفحه ۳۹)
- (صفحه ۵۸)
- (صفحه ۵۸)
- (صفحه ۷۲)
- (صفحه ۷۲)

آزمون شماره ۵ (نوبت دوم)

- ۱- صحیح نیست. مفهوم بیت این است که من موجب زندگی گل هستم. (صفحه ۱۲)
- ۲- در ریاضی ضعیف بود. (صفحه ۲۲)
- ۳- بسیار فیض‌دهنده، بسیار بخشنده (صفحه ۲۴)
- ۴- در گزینه «ب» «معاصی» شکل صحیح است. (صفحه ۲۵)
- ۵- مفهوم ذکرشده صحیح است. (صفحه ۱۷)
- ۶- چه کسی به ما اجازه می‌دهد که وارد حمام شویم. (صفحه ۳۰)
- ۷- واژه «قَرَض» نادرست و شکل صحیح آن «قَرَض» است. (صفحه ۳۱)
- ۸- (صفحه ۳۳)

واژه	مترادف	هم‌خانواده
انعام	بخشش	نعمت
فراخ	آسایش	فراغت

- ۹- صحیح نیست، مفهوم بیت این است که زندگی پستی و بلندی را با هم دارد و گاهی انسان در مقامی بلند است و گاهی در مقامی پست و حقیر. (صفحه ۳۴)
- ۱۰- جوانی بودم که در میان جمع قرار گرفته بودم. (صفحه ۳۳)
- ۱۱- بوی زلف معشوق (صفحه ۵۰)
- ۱۲- در بهشت رودخانه‌ها و درختان وجود دارد. (صفحه ۵۴)
- ۱۳- «جاه» و «گاه» سجع دارد. (صفحه ۵۴)
- ۱۴- الف) آویخته (صفحه ۵۸)
- ب) قربان‌ها (صفحه ۵۸)
- ۱۵- نسل، خاندان (صفحه ۶۴)
- ۱۶- واژه «سولت» نادرست و «صولت» شکل صحیح آن است. (صفحه ۶۴)
- ۱۷- حضرت علی (ع) (صفحه ۶۳)
- ۱۸- سرنوشت، بخت (صفحه ۶۹)
- ۱۹- «کاروان‌سرا» استعاره از دنیا، «کاروان» استعاره از عمر و زندگی (صفحه ۶۹)
- ۲۰- عظیم - عرش (صفحه ۷۲)
- ۲۱- فراموشی (صفحه ۷۸)

- ۲۲- من ایرانی‌ام و آرزویم شهادت است و مردنم جلوه‌ای از هستی و روشنی است. (صفحه ۸۳)
- ۲۳- در گزینه «الف» «واو عطف» وجود دارد، زیرا دو کلمه را به هم ربط داده است. (صفحه ۸۳)
- ۲۴- مادرم نام مرا مرگ نهاده است و زمانه مرا پتکی برای کلاه‌خود تو کرده است. (صفحه ۹۸)
- ۲۵- مقام، درجه (صفحه ۱۰۲)
- ۲۶- «پریدن رنگ خورشید» و «به جوش آمدن خاک» اغراق است. (صفحه ۹۶)
- ۲۷- جنگ، نبرد، کارزار (صفحه ۱۰۴)
- ۲۸- گزینه «ب»، «کنون» قید است. (صفحه ۱۰۵)
- ۲۹- الف) به کردار موج - فوج فوج (صفحه ۱۰۹)
- ب) هم او مر شما را نگهبان بود (صفحه ۱۱۰)
- ۳۰- الف) «روان: جاری» و «روان: روح» ← جناس تام: «بوی، جوی» ← جناس ناقص (صفحه ۱۱۷)
- ب) «آب» و «تاب» ← جناس ناقص (صفحه ۱۱۵)
- ۳۱- «ریش برکندن» کنایه از اندوهگین بودن است. (صفحه ۱۱۴)
- ۳۲- «سدر» نادرست و شکل صحیح آن «صدر» است. (صفحه ۱۱۴)
- ۳۳- «آتش» استعاره از تشنگی (صفحه ۱۲۱)
- ۳۴- انتخاب کردن، برگزیدن (صفحه ۱۲۴)
- ۳۵- تو در گذر زمان سرسبز بوده‌ای. (صفحه ۱۳۵)
- ۳۶- الف) تو خداوند را در اختیار داری. منتظر خداوند بودن، یعنی هنوز او را در وجود خودت پیدا نکرده‌ای. (صفحه ۱۴۲)
- ب) پروردگارا، ما وجود نداشتیم و تو لذت زندگی و هستی را به ما بخشیدی و پیش از آفریدن، ما را عاشق خود کرده بودی. (صفحه ۱۵۲)
- ۳۷- روی هم جمع شده، بر هم نشیننده، انبوه (صفحه ۱۴۷)
- ۳۸- گزینه «الف»، زیرا هر دو گزینه به وجود همیشگی خداوند اشاره دارند. (صفحه ۱۴۴)

ایران نوننه

توشه ای برای موفقیت

درس نامه توپ برای شب امتحان

خویشتن بده: در همه کارها عدالت را در مورد خودت رعایت کن/ به هر محالی از حال و نهاد خویش بنگردی: با هر کار بی اصل و اساسی، حال و سرشت خود را تغییر ندهی/ ولیکن به ایشان مولع مباش: اما شیفته آن‌ها نباش/ لاجرم سپر بینداخت و از میدان بگریخت: و ناچار تسلیم شد و از میدان فرار کرد/ مخذول و نالان استرحام می‌کرد: با خواری و ناله، طلب بخشش می‌کرد/ او را نیز بسمل کردم: او را نیز سر بریدم/ مخور طعمه جز خسروانی خویش/ که جان یابدت زان خویش، پرورش: غذایی جز غذای شاهانه نخور، زیرا روح و جان از آن غذا پرورش می‌یابد/ اشتر به شعر عرب در حالت است و طرب/ گر ذوق نیست تو را کز طبع جانوری؛ شتر نیز از شعرخوانی عرب به نشاط و وجود می‌آید. اگر تو این قدرت درک و اشتیاق را نداشته باشی، جانور بی‌ذوقی هستی/ آهسته اندکی خود را جمع‌وجور کرد: به آرامی کسی حالت جدی به خود گرفت/ حسودان تنگ‌نظر و عنودان بدگهر: حسودان بخیل و دشمنان بدذات/ فی‌الجمله نماد از معاصی منکری که نکرد و مسکری که نخورد: خلاصه، همه گناهان زشت را انجام داد و هر نوع مست‌کننده‌ای را نوشید/ من گوش استماع ندارم لمن تقول؟ من گوشی برای شنیدن ندارم، برای چه کسی سخن می‌گویی؟/ کبوتری که دگر آشیان نخواهد دید/ قضا همی بردش تا به سوی دانه و دام؛ کبوتری که تقدیرش بازنگشتن به آشیانه باشد، سرنوشت، او را به سوی دانه و دام می‌برد تا با پای خود به دام افتد.

واژگان

ارتجالاً: بی‌درنگ، بدون اندیشه سخن‌گفتن یا شعر سرودن/ استرحام: رحم‌خواستن، طلب رحم‌کردن/ اقبال: نیک‌بختی، خوش‌بختی/ ادبار: بدبختی، تیره‌بختی / الزام: ضرورت، لازم‌گردانیدن؛ واجب گردانیدن/ اوان: هنگام، وقت/ باری: القصد، به هر حال، خلاصه/ بدسگال: بداندیش، بدخواه/ بسمل کردن: سرجانور را بریدن/ پلاس: جامه‌ای کم‌ارزش، گلیم درشت و کلفت/ تعلیقات: ج‌تعلیق، پیوسته‌ها و یادداشت مطالب و جزئیات در رساله یا کتاب؛ در متن درس، مقصود نشان‌های ارتشی است/ تقدیر: بیان، بیان‌کردن/ تکریم: گرمی‌داشت/ تکیده: لاغر و باریک‌اندام/ تصدیق‌نامه: گواهی‌نامه/ تیمار: خدمت و محافظت از کسی که بیمار باشد، اندیشه/ جابر: جفاکار، ستم‌کار/ حجب: شرم و حیا/ حلیی: ورقه نازک فلزی، از جنس حلب/ خسروانی خویش: خویش و غذای شاهانه/ دانگ: بخش، یک‌ششم چیزی/ خودرو: خودرایی، خودسر، لجوج/ دوات: مرکب‌دان، جوهر/ زنگاری: منسوب به زنگار، سبزرنگ/ شهنواز: یکی از آهنگ‌های موسیقی ایرانی، گوشه‌ای از دستگاه شور/ صاحب‌دل: عارف، آگاه/ ضایع: تباه، تلف/ ضمایم: ج‌ضمیمه، همراه و پیوسته/ طبیعت: خو، عادت، سرشت و طبع/ عتاب‌کردن: خشم‌گرفتن بر کسی، سرزنش‌کردن/ عنود: ستیزه‌کار، دشمن و بدخواه/ قیاض: بسیار فیض‌دهنده، بسیار بخشنده/ قرابت: خویشی و خویشاوندی/ کمیت: اسب سرخ مایل به سیاه/ لاجرم: ناگزیر، ناچار/ لعب: بازی، لهو و لعب: خوش‌گذرانی/ لمن تقول: برای چه کسی می‌گویی؟ لهو: بازی و سرگرمی، آن‌چه مردم را مشغول می‌کند/ مألوف: خوگرفته/ متداول: معمول، مرسوم/ مخذول: خوار، زبون‌گردیده/ مسخرگی: لطیفه‌گویی، دلقکی/ مسکر: چیزی که نوشیدن آن مستی می‌آورد؛ مثل شراب/ محال: دروغ، بی‌اصل، ناممکن/ مستغنی: بی‌نیاز/ مولع: حریص، آزمند/ مطربی: عمل و شغل مطرب؛ مطرب: کسی که نواختن ساز و خواندن آواز را پیشه خود سازد/ معاصی: ج‌معصیت، گناهان/ مغلوب: شکست‌خورده/ مقول: سیم، رشته فلزی باریک و دراز/ ملتفت‌شدن: آگاه‌شدن، متوجه‌شدن/ متجلاب: محل جمع‌شدن آب‌های کثیف و بدبو/ مندرس: کهنه، فرسوده/ مُنکر: زشت، ناپسند.

نکات زبانی، ادبی و فکری

املاهای مهم: مستغنی/ محال/ تیمار/ مولع/ قرابت/ ضایع/ ارتجالاً/ تقریر/ معین/ عبرت/ مطابق معمول/ ملتفت/ ضربت/ لاجرم/ صدمت/ مغلوب/ عذاب/ غالب و چیره

فصل یکم: ادبیات تعلیمی



درس یکم: چشمه و سنگ

مفاهیم

زهی گویا ز تو، کام و زبانم / تویی هم آشکارا، هم نهانم؛ چه خوش است که آرزوی قلبی و آن‌چه در زبان می‌رانم، درباره تو باشد، زیرا تو تمام وجود هستی/ چو در وقت بهار آبی پدیدار/ حقیقت پرده برداری ز رخسار؛ وقتی که در فصل بهار نمایان می‌شوی، از چهره حق (که خودت هستی) نقاب را کنار می‌زنی/ گه به دهان برزده کف چون صدف / گاه چو تیری که رود بر هدف: گاه کفی چون صدف بر رویش قرار می‌گرفت و گاه مانند تیری که به سوی هدف می‌رود به سرعت حرکت می‌کرد/ راست به مانند یک زلزله / داده تنش بر تن ساحل یله: درست مانند زمین‌لرزه، بدنش را بر تن ساحل تکیه داده بود/ لیک چنان خیره و خاموش ماند / کز همه شیرین سخنی گوش ماند: اما چنان مات و مبهوت و ساکت ماند که با آن همه خوش‌زبانی دیگر حرفی برای گفتن نداشت.

واژگان

خلاق: آفریننده/ کام: اراده، خواست، میل، آرزو/ زهی: کلمه تحسین است به معنی خوش است، آفرین، احسن/ رزاق: روزی‌دهنده/ افلاک: جمع فلک، آسمان، چرخ/ فروغ: روشنایی، پرتو/ فضل: کرم، بخشش، نیکویی/ برزندگی: شایستگی، لیاقت/ پیرایه: زیور/ تعلل: بهانه‌آوردن، درنگ‌کردن/ تیزپا: شتابنده، سریع/ خیره: سرگشته، حیران، فرومانده، لجوج، بیهوده/ شکن: پیچ و خم/ زلف/ غلغله‌زن: شور و غوغاکنان/ قوت: خوراک، خوردنی، غذا/ گلین: بوته گل، گل سرخ، بیخ بوته گل/ معرکه: میدان جنگ، جای نبرد/ نادره: بی‌مانند، بی‌نظیر/ نمط: روشن، نوع/ نیلوفر: صفت نسبی، منسوب به نیلوفر، به رنگ نیلوفر، لاجوردی، در متن درس، مقصود از «پرده نیلوفری» آسمان لاجوردی است./ ورطه: زمین پست، مهلکه، هلاکت/ هنگامه: غوغا، داد و فریاد، شلوغی، جمعیت مردم/ یله: رها، آزاد.

نکات زبانی، ادبی و فکری

- املاهای مهم: رزاق/ زهی/ فروغ/ غلغله/ معرکه/ حامل/ زهره‌در/ نعره/ نَمَط/ یله/ ورطه/ خصلت/ فضل/ عجایب/ خلاق
- واژه «همسری» در مصراع «کیست کند با چو منی همسری» به معنی «برابری» است، اما امروزه این واژه در معنی «ازدواج» به کار می‌رود.
- واژه «راست» در مصراع «راست به مانند یکی زلزله» به معنی «دقیقاً» است، اما امروزه این واژه در معنی «سمت راست یا سخن راست» به کار می‌رود.
- در شعر «چشمه و سنگ»، «چشمه» نماد انسان‌های مغرور و متکبر است.
- در مصراع «از خجلی سر به گریبان برد»، «سر به گریبان بردن» کنایه از «شرمندگی» است.
- حس آمیزی: آمیختن دو یا چند حس در کلام را «حس آمیزی» می‌گویند؛ مانند: از صدای سخن عشق ندیدم خوش‌تر (دیدن صدا)/ کز همه شیرین سخنی گوش ماند (شیرینی سخن)
- در بیت «خواست کز آن ورطه قدم درکشد/ خویشتن از حادثه برتر کشد»، «قدم درکشیدن» و «خویشتن برتر کشیدن» به معنی خود را رها کردن و نجات‌دادن است.

درس دوم: از آموختن، ننگ مدار

مفاهیم

از نیکی کردن میاسا: از نیکی کردن دست نکش/ به زبان دیگر مگو و به دل دیگر مدار: به زبان سخنی نگو که برخلاف عقیده‌ای باشد که در دل داری/ در همه کاری داد از



- استرحام / مخذول / طمأنینه / کژطبع / عتاب / مألوف / تعلیقات / ضمایم / قوت / فیاض / لہو و لعب / عنود / زہرخند / قریحہ
- گاهی یک واژه ممکن است با ظاهری یکسان در متن، معنایی متفاوت داشته باشد؛ مانند: کتابی که در او داد (حق، انصاف) سخن آرایی توان داد (گزارد، انجام داد). عشق شوری در نهاد (سرشت، ذات) ما نهاد (قرار داد).
- در عبارت «شعر می‌گفت، زیاد هم می‌گفت، اما به قول نظامی خشت می‌زد.» «خشت می‌زد» اشاره به این بیت نظامی است «لاف از سخن چو در توان زد/ آن خشت بود که پرتوان زد» و معنی کنایی آن «پرحرفی کردن و سخنان بی‌ارزش زدن» است.
- مفاهیم کنایی: کمیت کسی در کاری لنگ بودن ← ناتوان بودن شخص در انجام آن کار / دم برنیارودن ← ساکت شدن / قوت داشتن دست ← چیره‌دستی و مهارت / مرد میدان نبودن ← ضعیف شدن
- مثَل «گندم‌نمای جو فروش مباش» آدمی را از «دورویی» برحذر می‌دارد.
- عبارت «این نقاشی را از روی طبیعت کشیده‌ام» یعنی این نقاشی را با استعداد ذاتی خود کشیده‌ام.

- پسوند «تک» در واژه‌های «خورجینک»، «دَمک» و «درمک» برای کوچک کردن (تصغیر) آمده است.
- ناصر خسرو به دو دلیل دعوت وزیر را نپذیرفت: 1) نابسامانی اوضاعش 2) با نوشتن نامهای جایگاه واقعی‌اش را به وزیر نشان دهد تا مبادا وزیر او را داناتر از آنچه هست تصور کند و در نتیجه در زمان ملاقات شرمندہ شود.
- عبارت «دست‌تنگ بود و وسعتی نداشت که حال مرا مرمتی کند» یعنی «فقیر بود و ثروتی نداشت که به من کمک کند.»
- بیت «چنین است رسم سرای درشت/ گهی پشت به زین و گهی زین به پشت» با عبارت «و این هر دو حال در مدت بیست روز بود و این فصل بدان آوردم تا مردم بدانند که به شدتی که از روزگار پیش آید، نباید نالید» ارتباط مفهومی دارد.

درس پنجم: کلاس نقاشی

مفاهیم

معلم دور نبود: معلم به ما نزدیک و صمیمی بود/ سگ را روان گرتہ می‌ریخت: سگ را به راحتی طرح‌ریزی می‌کرد/ پی بردیم راه دست خودش هم نیست: فهمیدیم که خودش هم [در کشیدن اسب] مهارت ندارد/ خلف صدق نیاکان هنرور خود بود: جانشین راستین اجداد هنرمند خود بود/ دست معلم از عقب حیوان روان شد: دست معلم از فرورفتگی حیوان حرکت کرد/ فک زبرین را پیمود و آخره ماند: فک زبرین را رسم کرد و گردی گردن باقی ماند/ از یال و غارب به زیر آمد: از یال و میان دو کتف به پایین آمد/ دو دست را تا فراز گله نمایان ساخت: دو دست را تا بالای برآمدگی پشت پای اسب مشخص کرد/ تمامت خود را می‌خواست: شکل کامل خود را می‌خواست/ معلم از مخمضه رسته بود: معلم از گرفتاری رها شده بود/ چشم زمانه ما بود: چشمی بیدار در روزگار ما بود و یا مانند چشم عزیز بود.

واژگان

اسلمی: تغییر شکل یافته کلمه اسلامی، طرح‌هایی مرکب از پیچ و خم‌های متعدد که شبیه عناصر طبیعت هستند/ آخره: جنبه گردن، قوس زیر گردن/ بحران: آشفتگی، وضع غیرعادی/ پُرخوردن: در میان قرارگرفتن/ بنشن: خوار و بار، از قبیل نخود و لوبیا و عدس/ بیرنگ: نمونه و طرحی که نقاش به صورت کم‌رنگ یا نقطه‌چین بر کاغذ می‌آورد و سپس آن را کامل رنگ‌آمیزی می‌کند. طرح اولیه/ بیغوله: کنج، گوشه‌های دور از مردم/ تسلّا: آرامش یافتن/ حقارت: خواری، پستی/ خطابه: سخنرانی، خطبه خواندن، وعظ کردن/ خلف صدق: جانشین راستین/ خیل: گروه، دسته/ رعنا: خوش قد و قامت، زیبا/ رندانہ: زیرکانه/ شندرغاز: پولی اندک و ناچیز/ طمأنینه: آرامش و قرار/ عیال: زن و فرزندان، زن/ غارب: میان دو کتف/ فراغته: ج فرعون، پادشاهان قدیم مصر/ گله: برآمدگی پشت پای اسب/ کنگره: مجمعی از دانشمندان و یا سیاستمداران که درباره مسائل علمی یا سیاسی بحث کنند (کلمه فرانسوی)/ گرتہ برداری: طراحی چیزی به کمک گرده یا خاکه زنگ و زغال؛ نسخه برداری از روی یک تصویر یا طرح/ گرده: پشت، بالای کمر/ مخمضه: بدبختی و غم بزرگ، تنگنا، این واژه به معنی گرفتاری متداول شده است/ مرفه: راحت، آسوده/ مشوش: آشفته و پریشان/ معاشرت: گفت و شنید، الفت داشتن/ میراب: نگهبان آب، کسی که آب را به خانه‌ها و باغ‌ها تقسیم می‌کند/ و الصافات صفا: سوگند به فرشتگان صف در صف.

نکات زبانی، ادبی و فکری

- املاهای مهم: نعره/ خلف صدق/ وَقْب/ غارب/ مخمضه/ خطابه/ جماعت/ وقفی/ بیغوله/ معاشرت/ غنیمت/ اهل و عیال/ مرقه/ شندرغاز/ طمأنینه/ تسلّا/ تلاطم/ غربت و دوری/ و الصافات صفا.
- «واو عطف» دو یا چند کلمه را به هم پیوند می‌دهد ← دلخواه و روان بود/ از خم کتف و سینه فرارفت.
- «واو نشانه ربط یا پیوند» دو جمله را به هم ربط می‌دهد ← نقش بندیش دلگشا بود و رنگ را نگارین می‌ریخت.
- مفاهیم کنایی: «حرفی به کارش بود» ← کارش جای حرف داشت و ناقص بود./ «چشم به راه بود» ← منتظر بود. «صورتک نداشت» ← صمیمی و صادق بود./

فصل دوم: ادبیات سفر و زندگی



درس سوم: سفر به بصره

مفاهیم

موی سر باز نکرده بودیم: سر خود را نتراشیده بودیم/ شوخ از خود باز کنیم: خود را پاکیزه کنیم/ مکاری از ما سی دینار مغربی می‌خواست: کرایه‌دهنده چهارپا از ما سی سکه طلای مراکشی [بابت کرایه] می‌خواست/ چون بر رقعۀ من اطلاع یابد قیاس کند که مرا اهلیت چیست: وقتی نامه من را بخواند می‌سنجد و پی می‌برد که چه اندازه شایستگی دارم/ ما را به انعام و اکرام به راه دریا گسیل کرد: با هدیه‌دان و گرمی داشتن ما را از راه دریا روانه کرد/ دلاک و قیم درآمدند و خدمت کردند: مشقت و مال‌دهنده و کیسه‌کش حمام آمدند و خدمت کردند/ گرگی روی به رمه آورده بود و می‌پویید: گرگی به سوی کله روی آورده بود و می‌دوید/ بهرام گور را سخت عجب آمد: بهرام گور بسیار تعجب کرد.

واژگان

ادیب: با فرهنگ، دانشمند، بسیار دان/ اندرماندن: عاجز شدن/ اهلیت: شایستگی، لیاقت/ بی‌راهی: گمراهی/ پلاس: جامه‌های پشمینه و ستبر که درویشان پوشند، نوعی گلیم/ تازی: عرب؛ زبان تازی: زبان عربی/ جَلّ جَلالَه و عَمّ نواله: بزرگ است شکوه او و فراگیر است لطف او/ خورجینک: خورجین کوچک، کیسه‌ای که معمولاً از پشم درست می‌کنند و شامل دو جیب است، جامه‌دان/ در حال: فوراً، بی‌درنگ/ دلاک: کیسه‌کش حمام، مشقت و مال‌دهنده/ دین: وام/ رقعہ: نامه/ رمه: گله/ سرگین: فضله چهارپایان، مانند اسب/ شوخ: چرک و آلودگی/ فراغ: آسایش و آرامش، آسودگی/ فرج: گشایش، رهایی/ قلیه: نوعی خوراک از گوشت که در تابه یا دیگ بریان می‌کنند/ قیم: سرپرست، در متن به معنی کیسه‌کش حمام آمده است/ کرای: کرایه/ گسیل کردن: روانه کردن، فرستادن کسی به جایی/ مرمت: اصلاح و رسیدگی/ مسلخ: رخت‌کن حمام/ مضاف کردن: جنگیدن/ مطبخ: آشپزخانه/ معاملات: داد و ستد/ مغربی: متعلق به کشور مغرب (مراکش)/ مکاری: کسی که اسب و شتر و الاغ کرایه می‌دهد یا کرایه می‌کند/ نموده: نشان داده، ارائه کرده/ نیکومنظر: زیبارو، خوش‌چهره/ یارستن: توانستن/ یوزبان: نگه‌دارنده یوزپلنگ.

نکات زبانی، ادبی و فکری

- املاهای مهم: بصره/ عاجز/ پلاس/ رقعہ/ تصوّر/ غرض/ اهلیت/ اطلاع/ متدین/ متواضع/ عذاب/ مرمت/ مسلخ/ غدر و حیله/ قیم/ گسیل کردن/ عَمّ نواله/ معاملات/ رعیت/ خار و گل
- واژه‌ها در گذر زمان دچار تحول معنایی می‌شوند؛ مثال: ما را به نزدیک خویش بازگرفت. (در گذشته به معنی «مهمان کردن» و «نگه داشتن»، امروزه به معنای «پس گرفتن».)



درس هفتم: جمال و کمال

مفاهیم

در بهشت انهار و اشجار است و در قرآن اخبار و اعتبار است: در بهشت رودخانه‌ها و درختان وجود دارد و در قرآن اخبار و عبرت‌گرفتن‌ها/ زینت قرآن بی‌جمال بهشت تمام است و زینت بهشت بی‌جمال و کمال قرآن ناتمام است: آراستگی قرآن بدون زیبایی بهشت نیز کامل است، اما آراستگی بهشت بدون زیبایی و کمال قرآن ناقص است/ در میان دو ضد جمع بود؛ دو چیز ضد هم را، کنار هم گرد آورده/ در بدایت بند و چاه بود، در نهایت تخت و گاه بود: در آغاز اسارت و در چاه افتادن است و در پایان به تخت شاهی رسیدن/ خبردهنده از ملک جتار بود، فلاجرم حدیث ایشان نیکوترین احادیث اهل روزگار بود: کسی که این قصه را گفته، خداوند صاحب اختیار است، پس به ناچار سخن و داستان آن‌ها نیکوترین سخن زمانه است./ نیکوخوا، بهتر هزار بار از نیکوخوا: کسی که باطن و سرشتی نیک دارد هزار مرتبه بهتر از کسی است که زیباورست/ از بهر آن‌که در مقابله جفا، وفا کرد: به این علت بود که در برابر ستم، وفا کرد/ در مقابله لثیمی، کریمی کرد: در برابر پستی، بزرگواری کرد/ عالمیان بدانند که هرگز کید کایدان با خواست خداوند غیب‌دان برابر نیاید: تا اهل عالم بدانند که هرگز حیلۀ حیلۀ‌گران با اراده و خواست خداوند غیب‌دان نمی‌تواند مقابله کند/ ملک تعالی او را دولت بر دولت زیادت کرد و مملکت و نبوت زیادت بر زیادت کرد: خداوند بلندمرتبه مقام او را بسیار بالا برد و به سلطنت و پیمبری او بسیار افزود.

واژگان

استماع: شنیدن، گوش‌دادن/ اشجار: چ شجر، درختان/ اعتبار: پندگرفتن، عبرت‌پذیری/ انهار: چ نهر، جوی‌ها/ جتار: مسلط، یکی از صفات خداوند تعالی است/ جفا: بی‌وفایی، ستم/ جنان: چ جنت، بهشت‌ها، فردوس‌ها/ روی تافتن: روی گردان‌شدن/ ریحان: هر گیاه سبز و خوشبو/ ریش: زخمی/ زلت: لغزش، خطا/ صدیق: بسیار راستگو/ طرب: شادی/ طهارت: پاکی/ عداوت: دشمنی/ غنا: سرود، نغمه، دستگاه موسیقی، آوازخوانی/ فرقت: جدایی، دوری/ فلاجرم (ف+ لاجر) پس ناگزیر/ قربان: صدقه، تصدیق (در معنای کماندان و جای کمان نیز کاربرد دارد)/ کایدان: چ کاید، حیلۀ‌گران/ کوتاه‌نظری: اندک‌بینی، عاقبت‌اندیش نبودن/ کید: حیلۀ و فریب/ گیش: تیردان/ لثیمی: پستی، فرومایگی/ محنت: اندوه، ناراحتی/ معاملات: معامله، دادوستد/ مُلک: پادشاهی، بزرگی، عظمت/ نقض: شکستن، شکستن عهد و پیمان/ وصلت: چ وصل، اتصال، پیوستگی

نکات زبانی، ادبی و فکری

املاهای مهم: زندگی و حیات/ طهارت/ زلت و خطا/ معاملات/ قصه یوسف (ع)/ محنت/ فرقت/ طرب/ فلاجرم/ صدیق/ سیرت/ حبس/ لثیمی/ عداوت/ عنایت/ نمره/ نقض پیمان/ در فارسی امروز برخی کلمات به دو شکل تلفظ می‌شوند: نظیر «مهربان، مهربان»، «جاودان، جاودان»، «آموزگار، آموزگار»، «روزگار، روزگار»
سجع: به واژه‌هایی که در پایان دو جمله بیایند و از نظر صامت، مصوت پایانی و یا وزن، هماهنگ باشند، کلمات «مسجع» و به آهنگ برخاسته از آن‌ها «سجع» می‌گویند.
مثال: در بهشت هزارگونه نعمت است و در قرآن از هزارگونه پند و حکمت است.

آیه شریفه «وَ مَكْرُوهًا مَكْرَاللّٰهِ وَ اللّٰهُ خَبِيرُ الْمَاكِرِيْنَ» (و آن‌ها مکر کردند و خداوند پاسخ مکرشان را داد و خداوند بهترین پاسخ‌دهنده مکر است - آل عمران/ ۵۴) با «تدبیر برادران برخلاف تقدیر رحمان آمد. ملک تعالی او را دولت بر دولت زیادت کرد و مملکت و نبوت زیادت بر زیادت کرد تا عالمیان بدانند که هرگز کید کایدان با خواست خداوند غیب‌دان برابر نیاید» ارتباط مفهومی دارد.

بیت «خدمت خلق کن به هر مقام که باشی/ خدمت مخلوق افتخار ندارد» با عبارت «اگر معاملات می‌کنی، با حق کن که تا خلق سود خود نبیند، با تو معاملات نکنند!» ارتباط مفهومی دارد.

بیت «صورت زیبایی ظاهر هیچ نیست/ ای برادر، سیرت زیبا بیار» با عبارت «نیکوخوا بهتر هزار بار از نیکوخوا» ارتباط مفهومی دارد.

عبارت «الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ» (صبر کلید گشایش [کارها] است) و عبارت «یعقوب خود او را به صبر آموزگار بود» هر دو به ارزش و اهمیت صبر اشاره دارند.

«درها به رویش بسته شد» ← به سختی افتاد و دچار مشکل شد. «خیالش تخت بود» ← ذهنش آرام بود. «کارش را ساخت» ← او را از بین برد.
منظور از «اسب از پهلو، اسبی خود را به کمال نشان می‌داد» این است که اسب از پهلو تناسب خود را کاملاً نشان می‌داد.

فصل سوم: ادبیات غنایی



درس ششم: مهر و وفا

مفاهیم

گفتم که بوی زلفت گمراه عالمم کرد/ گفتا اگر بدانی هم اوت رهبر آید: گفتم: «بوی خوش گیسویت مرا در جهان آواره کرد» گفت: «اگر متوجه باشی، همین بو راهنمای تو به سوی من است.» / گفتم خوشا هوایی کز باد خلد خیزد/ گفتا خُتُک نسیمی کز کوی دلبر آید: گفتم: «مرحبا بر هوایی که از باد بهشت می‌وزد.» گفت: «آفرین بر نسیمی که از کوی دلبر می‌آید.» / گفتم که نوش لعلت ما را به آرزو گُشت/ گفتا تو بندگی کن کاو بنده پرور آید: گفتم: «آرزوی لب شیرین تو، ما را هلاک کرد.» گفت: «تو وظیفۀ بندگی خود را انجام بده که او (معشوق یا لب او) سرانجام تو را مورد لطف قرار خواهد داد.» / گفتم زمان عشرت دیدی که چون سر آمد؟/ گفتا خموش حافظ کاین غُصه هم سر آید: گفتم: «دیدی که چگونه زمان خوش‌گذرانی [به سرعت] گذشت؟» گفت: «حرفی نزن، زیرا این غصه و ناراحتی هم پایدار نیست و می‌گذرد/ سودای آتش بگرفت که آیا در این حقه چه سر است؟ این فکر به ذهنش خطور کرد که در این جعبه چه رازی است؟»

واژگان

حُقه: جعبه، صندوق/ خُلد: بهشت/ خُتُک: خوشا، نیکا/ خیال: آرزو، فکر، تصور چیزی در ذهن، هنگامی که در پیش چشم نباشد/ سودا: اندیشه، هوس، عشق/ شب‌رو: شب‌بیدار، راهزن/ عشرت: خوش‌گذرانی/ لعل: یکی از سنگ‌های گران‌قیمت که در جواهرسازی مصرف دارد، رنگ سرخ این سنگ، معروف است/ نوش: شهد و عسل، خوشگوار

نکات زبانی، ادبی و فکری

املاهای مهم: عشرت/ غصه و غم/ لعل/ خُلد/ حقه/ زینهار/ سودا
گاهی ضمیر در جایگاه اصلی خود قرار نمی‌گیرد و در جای دیگر می‌نشیند؛ به این جابه‌جایی ضمیر «پَرش یا جهش ضمیر» می‌گویند؛ مانند:
ای بی‌نشان محض، نشان از که جویمت؟

گم گشت در تو هنر دو جهان از که جویمت؟
در مصراع اول «ت» مضاف‌الیه «نشان» است. (نشانت را از که جویم؟) و در مصراع دوم «ت» مفعول است (تو را از که جویم؟)

گفتم که بوی زلفت گمراه عالمم کرد
«ت» در «اوت» در اصل مضاف‌الیه «رهبر» است. (هم او رهبر آید)

ایهام: هرگاه کلمه‌ای به چند معنا به‌کار رود، «ایهام» پدید می‌آید. ایهام از ریشه «وهم» و به معنای «تردید و به‌گمان‌افکندن» است.
چند نمونه:

بی مهر رخت روز مرا نور نمانده است. ← «مهر»: ۱) محبت ۲) خورشید
گفتم که ماه من شو گفتا اگر بر آید ← «بر آید»: ۱) طلوع کند ۲) ممکن باشد

گفتم که بوی زلفت، گمراه عالمم کرد ← «بو»: ۱) رایحه ۲) آرزو

بیت «غم و شادی جهان را نبُود هیچ ثبات/ هر زمان حال وی از شکل دگر خواهد شد» با بیت «گفتم زمان عشرت دیدی که چون سر آمد؟/ گفتا خموش حافظ، کاین غصه هم سر آید» ارتباط مفهومی دارد.